

مطالعه پدیدارشناختی دلائل بی وفائی زناشویی

علی اصغر فیروزجائیان^۱، حسن قدیری^۲

(تاریخ دریافت ۹۵/۰۸/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۶/۱۰/۰۹)

چکیده

«روابط فرازناشویی» یکی از آسیب های جدی اجتماعی است که پژوهشگران اجتماعی نسبت به گسترش آن هشدار می دهند. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی کیفی دلایل ورود زنان به این نوع روابط است. بدین منظور ۳۶ نفر از زنانی که تجربه رابطه فرازناشویی داشتند از طریق تکنیک گلوله برفی انتخاب شدند و مورد مصاحبه ی نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. یافته های پژوهش نشان داد که روابط فرازناشویی معلول عوامل متعدد و متکثری است. تحلیل کیفی مصاحبه ها نشان داد که ده مقوله اصلی فردگرایی، ضعف دینداری و اخلاقی، عدم رفع نیازهای جنسی، عدم رفع نیازهای عاطفی و روانی، خشونت فیزیکی و کلامی شوهر، ضعف نظارت بر زندگی و زندگی صادقانه، تاثیرپذیری از دوستان، فقر و مشکلات اقتصادی، اعتیاد، رسانه ها و شیوع فرهنگ فساد در جامعه، از دلایل اصلی مصاحبه شوندگان برای ورود به روابط فرازناشویی بوده است. در مجموع این پژوهش نشان داد که «برآورده نشدن انتظارات و نیازها» به همراه «رشد ارزش های فردگرایی و ضعف مذهبی و اخلاقی» در ورود زنان به روابط فرازناشویی نقش مهمی دارد.

واژگان کلیدی: روابط فرازناشویی، بی وفایی، ارزش ها، خانواده، زنان

^۱ - استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) - a.firozjayan@umz.ac.ir
^۲ - دانشجوی دکتری جامعه شناسی بررسی مسائل اجتماعی، دانشگاه مازندران - Qadirihasan@gmail.com

مقدمه و بیان مساله

رویارویی با دنیای جدید، جامعه ما را دچار تحولات فراوان نموده است، این تحولات از نظر نوع، عمق و تنوع با تمام تحولات پیشین، متفاوت است. جامعه ایران نیز تحت تاثیر تحولات بیرونی و درونی تغییرات گوناگونی را در حوزه های مختلف از جمله نظام خانواده و ارزش های مرتبط با آن تجربه می کند. «تعهد زناشویی^۱» یکی از اصلی ترین ارزشهای مرتبط با نظام خانواده است که از دیرباز مورد تاکید بوده، اما امروزه به دلایل مختلف کمرنگ شده، و محققان حوزه خانواده از گسترش آنچیزی که «روابط فرازناشویی^۲» می نامند، صحبت می نمایند، و نسبت به پیامدهای نامطلوب آن برای ثبات زناشویی هشدار می دهند؛ (ویسمن^۳ و همکاران، 2007، آتکینز^۴ و همکاران، ۲۰۰۵؛ گلس و رایت^۵، ۱۹۸۵، باس^۶، ۱۹۹۷؛ قرائی مقدم، ۱۳۹۴؛ شیخ الاسلامی و افشار نادری؛ ۱۳۹۴، معیدفر، ۱۳۹۳).

آمارهای موجود در این زمینه، در حال افزایش و متفاوت است. تحقیقات اخیر نشان می دهند که در جهان بطور متوسط ۲۳ درصد مردان و ۱۹ درصد زنان خیانت زناشویی داشته اند (مارک^۷ و همکاران، ۲۰۱۱). درصد این روابط در ایالات متحده بین ۲۶ تا ۷۰ درصد برای زنان و ۳۳ تا ۷۵ درصد برای مردان متغیر بوده است (جنیفریو^۸، ۲۰۰۹؛ جیسون^۹، ۲۰۰۸). البته تحقیقات اخیر بیانگر این هستند که مردان و زنان سطح یکسانی از رفتارهای خیانت جنسی و عاطفی را نشان می دهند (آلن^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۵؛ مارک، ۲۰۱۱؛ تریس و گیسن^{۱۱}، ۲۰۰۰). این آمارها مربوط به جامعه کلیسامدار و مذهبی آمریکاست، اما در اروپا که چندان مذهب مدار نیست، آمارها بسیار بیشتر است. در آفریقا و آسیا به دلیل تابو بودن این مسئله، آمار آن را بیان نمی کنند، اما از آماري که برای ایدز و بیماری های مقاربتی بیان می شود، می توان حدس زد که

¹Marital Obligation

²Extramarital Relations

³Whisman

⁴Atkins, D.C.

⁵Glass & Wright

⁶Buss, D. M.

⁷Mark

⁸Jeanfreau

⁹Jayson

¹⁰Allen

¹¹Treas & Giesen

فراوانی روابط فرا زناشویی نیز باید بالا باشد (ایوبی، ۱۳۹۴). در مجموع این نوع روابط هم برای زنان و هم برای مردان اتفاق می افتد و نرخ وقوع آن براساس نمونه گیری و تعریف از آن متفاوت است و از میزان تقریبی ۱۲ تا ۷۵ درصد برای افراد متأهل که حداقل یک بار با آن مواجه شده اند تغییر می کند (آلن و بوکام،^۱ ۲۰۰۴).

هنوز هیچ آماری درباره میزان شیوع بیوفایی زناشویی در ایران منتشر نشده است، اما بعضی تحقیقات بصورت مستقیم و غیر مستقیم اشاره هایی به این موضوع کرده اند؛ به عنوان مثال، بیشترین آمار قتل های خانوادگی که ۳۰ درصد است، به زنانی مربوط است که به دلیل رابطه نامشروع و سوءظن، توسط همسران خود به قتل رسیده اند. از سوی دیگر، ۲۲ درصد از قتل های خانوادگی مربوط به قتل مردان توسط همسرانشان است که در ۴۰ درصد، زنان با همدستی معشوق خود، شوهرانشان را به قتل رساندند (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲). پژوهشی دیگر در شهر کرج نشان می دهد که، درصد زیادی از خانم هایی که مورد تحقیق قرار گرفتند به داشتن رابطه نامشروع اذعان کرده اند. همچنین بخشی از زنان مورد پرسش، این رابطه را بدون اشکال و حق خود دانسته و البته درصدی از آنها از اینکه مرتکب این عمل می شدند، ناراضی بودند (قرائی مقدم، ۱۳۹۴). همچنین نتایج تحقیقی که در ۱۵ استان کشور انجام شده، نشان می دهد خیانت همسر، علت ۶۷ درصد قتل مردان از سوی زنانشان بوده است. ۳۳ درصد مردان هم با واکنش در برابر خشونت، حمله ناگهانی و تهدید از سوی همسران خود مواجه بوده اند. همچنین ۳۰ الی ۵۵ درصد مردان پس از ازدواج به دنبال ارتباط با زن دیگری بودند. یعنی به طور میانگین یک سوم مردان مرتکب روابط فرا زناشویی می شوند. این آمار در زنان بین ۳ تا ۳۰ درصد است. (بهنام و دهقان ۱۳۹۱، شفیع آبادی، ۱۳۹۰).

اهمیت پژوهش حاضر از این امر ناشی می شود که، روابط فرا زناشویی دارای پیامدهای مختلف اجتماعی و فردی است؛ بی وفایی و خیانت بدلیل خارج بودن از مسیر طبیعی وفطری ماهیتی آسیب زا و آسیب زننده دارد. آسیبی که در یک ارتباط خارج از هنجار بوجود می آید تأثیرات مخرب خود را در امور دیگر همسران و خانواده بر جای می گذارد (کاوه، ۱۳۸۹). این نوع روابط برای افراد در تمام سنین، یکی از عمده ترین دلایل شکستن قواعد ازدواج و تعهد است (مارک و همکاران، ۲۰۱۱؛ شاکل فورد^۲ و همکاران، ۲۰۰۸) و به شدت بر عملکرد و ثبات رابطه اثر میگذارد (ویزمن و همکاران، ۱۹۹۷)، قواعد رابطه را برهم می زند، خلاف انتظارات

¹Allen, E. S&Baucom, D. H

²Shackelford, T. K

طرف مقابل بوده؛ همچنین اعتمادی را که رابطه براساس آن شکل گرفته مخدوش می‌نماید (پرویتی و آماتو^۱، ۲۰۱۰). این نوع روابط ممکن است بعنوان یک عامل تسهیل‌کننده عمل کرده و نارضایتی‌های بنیادی در ازدواج را ظاهر سازد که این مشکلات در نهایت ممکن است منجر به طلاق^۲ گردد (تاتل و دیویس^۳، ۲۰۱۵؛ بورست^۴، ۲۰۱۵؛ مگان^۵، ۲۰۱۲؛ تافویا و اسپیتزبرگ^۶، ۲۰۰۷). از دیگر پیامدهای روابط فرازناشویی خشونت‌ها و قتل‌های خانوادگی است، بطوری که بیشترین آمار قتل‌های خانوادگی، به زنانی مربوط است که به دلیل رابطه نامشروع و سوءظن، توسط همسران خود به قتل رسیده‌اند (مگان^۷، ۲۰۱۲، فتیحی و همکاران^۸، ۱۳۹۲، بهنام و دهقان^۹، ۱۳۹۱، شفیع آبادی^{۱۰}، ۱۳۹۰). آسیب‌های روحی و روانی از جمله افسردگی یکی دیگر از نتایج روابط فرازناشویی می‌باشد، بطوری که برخی از تحقیقات بیانگر رابطه مستقیم میان روابط فرازناشویی و افسردگی به ویژه در میان زنان می‌باشند (مارک^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۱؛ کانو^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۲، بیچ^۱ و همکاران^۱، ۱۹۸۵). این کشف که شریک زندگی فرد فاسق و یا متقلب است می‌تواند یک تجربه ی به شدت دردناک باشد و باعث بروز واکنش‌ها یی مثل خشم، صدمه زدن، احساس پریشانی شدید، از دست دادن اعتماد، کاهش اعتماد به نفس شخصی و جنسی، عزت نفس آسیب دیده، ترس از رها کردن و تمایل به ترک کردن شریک و احساس گناه شود (سابینی و گرین^۱، ۲۰۰۴؛ چارنی و پارنس^{۱۱}، ۱۹۹۵؛ مونگئو و آلیس^{۱۲}، ۱۹۹۴).

در مجموع آمارها و پژوهش‌های مذکور بیانگر افزایش میزان روابط فرازناشویی، در کلان شهرها و شیوع آن در شهرهای کوچک است که زنگ خطر را برای جامعه امروز ما به صدا درآورده است، زیرا که هرچند روابط فرازناشویی معلول عوامل مختلفی است، اما خود این نوع روابط زمینه ساز مشکلات اجتماعی بسیاری است، که در صورت ادامه این روند جامعه ما در

¹Amato, P. R. & Previti, D.

²divorce

³ Tuttle, J. D., & Davis, S. N

⁴ Borst, J. B.

⁵ Megan

⁶ Tafoya, M., A. & Spitzberg, B. H.

⁷Christian

⁸Cano, A.

⁹ Beach, S. R. H.

¹⁰ Sabini & Green

¹¹ Charny & Parnass

¹² Mongeau Hale and Alles

آینده ای نه چندان دور دستخوش بحران های اجتماعی خواهد شد. نظام خانواده یکی از مهمترین نهادهای هر جامعه به شمار می رود، و ضمن تاثیر پذیری از سایر نهادهای اجتماعی، بر آنها تاثیر می گذارد در نتیجه اختلال در روابط زناشویی و گرایش افراد به روابط فرازناشویی آسیب های جدی را در سطوح خرد و کلان برجای خواهد گذاشت. با توجه به مطالب فوق سوال اصلی پژوهش حاضر اینست که به چه دلایلی زنان به شریک زندگی خود خیانت می کنند و وارد روابط فرازناشویی می شوند؟

پیشینه مطالعاتی

منظور از روابط فرازناشویی به خیانت جنسی یا عاطفی خارج از پیمان توافق شده روابط میان افراد (کریستون^۱، ۲۰۱۴؛ ۲۱۰۲) و یا ارتباط جنسی با شخص سوم خارج از روابط زناشویی^۲ (کاپلان و سادوک، ۲۰۰۷) اشاره می کند. مارک (۲۰۱۱)، بلاو و هارتنت^۳ (۲۰۰۵) طیفی از رفتارها مانند: "داشتن رابطه"^۴، "رابطه نامشروع"^۵، "تقلب کردن"^۶، "مقاربت جنسی"^۷، "رابطه جنسی دهانی"^۸، "بوس کردن"^۹، "نوازش کردن"^{۱۰}، "ارتباط عاطفی"^{۱۱}، "دوستی"^{۱۲}، "روابط اینترنتی"^{۱۳}، "استفاده از پورنوگرافی"^{۱۳} و غیره را از مصادیق روابط فرازناشویی می دانند.

عوامل متعددی از سوی محققان مختلف برای ورود افراد به روابط فرازناشویی ذکر گردیده است که در جدول زیر بطور مختصر به آنها اشاره می شود:

¹ Kristen P. Mark

² Hartnett and Blow

³ having an affair

⁴ extramarital relationship

⁵ cheating

⁶ sexual intercourse

⁷ oral sex

⁸ kissing

⁹ fondling

¹⁰ emotional connections

¹¹ friendships

¹² internet relationships

¹³ pornography use

جدول شماره ۱: یافته‌های محققان درباره دلایل روابط فرازنشویی

دلایل روابط فرازنشویی	محققان
ضعف اعتقادات دینی و مذهبی	اسکارمن ^۱ ، ۲۰۱۲؛ ماتینگلی ^۲ و همکاران، ۲۰۱۰؛ بوردت ^۳ و همکاران، ۲۰۰۷؛ ویزمن، ۲۰۰۷؛ قودمن و دولاهیت ^۴ ، ۲۰۰۶؛ گلدمن ^۵ ، ۲۰۰۶؛ ماهونی ^۶ ، ۲۰۰۵؛ آتکینز و ماهونی، ۲۰۰۱؛ تریس و جیسن، ۲۰۰۰؛ آماتو و راجرز ^۷ ، ۱۹۹۷؛ صالح آبادی، ۱۳۹۳؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۲
نارضایتی زنشویی (نارضایتی جنسی و عاطفی)	مگان، ۲۰۱۲؛ آتکینز و همکاران، ۲۰۰۱؛ لیو ^۸ ، ۲۰۰۰؛ راسکو و همکاران، ۱۹۸۸؛ سیل ^۹ و همکاران، ۱۹۹۴؛ گلس و رایت ^{۱۱} ، ۱۹۸۵؛ عنایت و پنجه بند، ۱۳۹۵؛ صالح آبادی، ۱۳۹۳
فردگرایی، لذت طلبی، مادی گرایی	قرائی مقدم، ۱۳۹۴؛ انتظاری، ۱۳۹۲؛ فاضلی، ۱۳۹۳
تحصیلات	وایزمن ^{۱۲} ، ۲۰۰۷؛ آتکینز، ۲۰۰۱؛ تریس و جیسن، ۲۰۰۰؛ تانفر و فورست ^{۱۳} ، ۱۹۹۶
درآمد و نحوه توزیع آن، وضعیت نامناسب اقتصادی	الن، ۲۰۰۵؛ آتکینز، ۲۰۰۱؛ قرائی مقدم، ۱۳۹۴
نارضایتی از ازدواج و همسرگزینی نامناسب	اولسن ^{۱۴} و همکاران، ۲۰۰۲؛ عبدالملکی، ۱۳۹۲؛ انتظاری، ۱۳۹۲
خشونت، فضای نامساعد خانواده و انتقام از همسر،	ریس لارا ^{۱۵} ، ۲۰۱۱؛ اسپنیر و مارگولیس ^{۱۶} ، ۱۹۸۳؛ علیایی زند، ۱۳۸۳؛ قرائی مقدم، ۱۳۹۳

¹ Schramm DG

² Mattingly

³ Burdette

⁴ Goodman MA, Dolahite DC

⁵ Goodman MA

⁶ Mahoney A

⁷ Amato & Rogers

⁸ Liu

⁹ Roscoe

¹⁰ Seal

¹¹ Glass & Wright

¹² Whisman, M. A

¹³ Forste & Tanfer

¹⁴ Olson

¹⁵ Risé Lara

¹⁶ Spanier and Margolis

طلاق عاطفی	
سن، تعداد فرزندان، اختلاف سنی بین زوجین و مدت ازدواج	لیو، ۲۰۰۰؛ م ویگینز و لدرر، ۱۹۸۴؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۲
خلاء های اجتماعی و احساس تنهایی	افشار نادری، ۱۳۹۴
رسانه های ارتباطی و ماهواره ها	قرائی مقدم، ۱۳۹۳؛ عبدالملکی، ۱۳۹۲؛ صالح آبادی، ۱۳۹۳؛ فرخجسته ۱۳۹۳؛ دیوبند و همکاران ۱۳۹۲
منطقه و محل سکونت	قرائی مقدم، ۱۳۹۳

مهمترین هدف پژوهش حاضر بررسی این مساله است که چه عواملی باعث می‌شوند تا افراد قواعد تعهد زناشویی را برهم بزنند و وارد روابط فرازناشویی شوند. اغلب پژوهش های صورت گرفته در زمینه علل روابط فرازناشویی بصورت کمی بوده است و تنها به یک سطح از عوامل اشاره می‌کنند و دیگر اینکه بیشتر آنها در کلان شهرها به ویژه در تهران انجام شده است. از جمله ویژگی های پژوهش حاضر که آن را از اغلب پژوهش های پیشین متمایز می‌کند، اتخاذ رویکرد پدیدارشناختی و بررسی موضوع از منظر افراد درگیر، شناخت و دسته بندی دلایل زنان در سطوح مختلف و بررسی موضوع در شهری کوچکتر از کلان شهر هاست.

روش پژوهش:

برای پژوهش حاضر از رویکرد کیفی استفاده شده است. زیرا ماهیت این پژوهش به نحوی است که تنها با روش های کیفی می‌توان به اطلاعات دقیق و علل اصلی روابط فرازناشویی دست یافت و این امر تنها از طریق مصاحبه های رودررو^۱ بعد از جلب اطمینان افراد مطالعه شده میسر شد. در این پژوهش از روش پدیدارشناسی که تاکید آن بر دیدگاه مشارکت کنندگان در پژوهش به عنوان منبع اصلی داده های پژوهشی است بهره گرفته شد.

جامعه پژوهش حاضر شامل زنان متأهل شهر قزوین بودند که حداقل یکبار وارد روابط فرازناشویی (جنسی، عاطفی یا هر دو) شده بودند. با توجه به مفروضات اساسی و زیربنایی رویکرد کیفی در پژوهش، تعداد نمونه پیش از اجرای تحقیق تعیین نشد و فرایند نمونه گیری تا زمانی ادامه پیدا کرد که نوعی اشباع اطلاعاتی حاصل شد. به طور کلی، هدف از

^۱face to face

انتخاب یک یا چند مورد در پژوهش کیفی، فهم عمیقتر پدیده های مورد بررسی است. این نوع نمونه گیری را نمونه گیری هدفمند^۱ می نامند. در این پژوهش براساس روش نمونه گیری هدفمند و معیار اشباع نظری، زنانی که تجربه روابط فرازناشویی داشته مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. گفتنی است اشباع نظری پس از مصاحبه با نمونه ۳۰ به دست آمد؛ اما برای اطمینان بیشتر، ۶ مصاحبه دیگر نیز صورت گرفت که البته داده جدیدی حاصل نشد، بنابراین اطلاعات پژوهش حاضر، حاصل ۳۶ مصاحبه با زنان شهر قزوین می باشد، که درگیر روابط فرازناشویی بوده اند. بخاطر حساسیت موضوع، برای یافتن موارد جهت مصاحبه، از روش گلوله برفی استفاده شده است. بعد از هر مصاحبه، تجزیه و تحلیل با کدگذاری شروع و مقوله های مناسب شناسایی شدند. مصاحبه شوندهگان در این پژوهش در پاسخ به این سوال اصلی که "چرا با وجود تاهل، با دیگران رابطه برقرار کردید؟" عوامل و دلایل متعددی را بیان کردند.

قابلیت اعتماد^۲:

اعتبار در پژوهش پدیدارشناختی به این موضوع اشاره دارد که پژوهشگر تا چه اندازه توانسته واقعیت ها یا حقایق ابراز شده ی مطالعه شوندهگان را به درستی منعکس کند(دال و باس^۳، ۲۰۰۵: ۷۹). جهت بررسی این معیار از دو تکنیک متعارف و مرسوم (پاتن^۴ ۲۰۰۲، سیلورمن^۵ ۲۰۰۵، کوال^۶ و برینکمن^۷ ۲۰۰۹) زیر استفاده شد؛

۱- کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا: در این روش از شرکت کنندگان خواسته شد یافته های کلی را ارزیابی کرده و درباره صحت آن نظر دهند.

۲- استفاده از تکنیک ممیزی: در این تکنیک داده ها توسط دو تحلیل گر تحلیل شدند تا اثرات برداشت ها و سوگیری های شخصی به حداقل برسد.

پایایی^۸:

^۱purposeful sampling

^۲Trustworthiness

^۳ Dahl & Boss

^۴Patton

^۵Silverman

^۶Kval

^۷Brinckman

^۸ Reliability

برای رسیدن به پایایی یا قابلیت وابستگی در روش‌های کیفی برخی از محققان تکنیک‌هایی مانند هدایت دقیق جریان مصاحبه برای گردآوری داده‌ها، ایجاد فرایندهای ساختمان‌داری برای اجرا و تفسیر مصاحبه‌های همگرا و استفاده از کمیته‌ی تخصصی را پیشنهاد می‌نمایند (رو و پری؛ ۲۰۰۳). در پژوهش حاضر در راستای تکنیک‌های مذکور برای دستیابی به پایایی داده‌های مصاحبه در مرحله گردآوری داده‌ها، آموزش مصاحبه‌گران، استفاده از راهنمای مصاحبه و پرسش‌های مولد مورد توجه قرار گرفت و در مرحله تفسیر داده‌ها، درباره شیوه اجرای تفسیر و روش کدگذاری از دیدگاه صاحب‌نظران استفاده شد.

یافته‌های پژوهش:

(الف) یافته‌های توصیفی:

میانگین سنی زنان بیوفا در روابط زناشویی، ۲۸/۶ سال و همسران آنها ۳۵/۶ سال است. اختلاف سنی زنان با همسرانشان ۶ سال بوده است. بیشتر زنان بی وفا (۳۵/۵ درصد) در گروه سنی ۳۰-۳۵ ساله قرار داشتند و کمترین آنها (۱۲/۸ درصد) در بالای ۳۵ ساله قرار داشتند. تحصیلات حدود (۶۰ درصد) از زنان بی وفا دیپلم بوده است. ۲۰ درصد زنان دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند و ۱۷ درصد نیز لیسانس داشتند. میانگین تحصیلات زنان از همسرانشان پایین بود.

نزدیک به نیمی (۴۸/۵ درصد) از زنان بی وفا دارای ۱ فرزند و ۳۱/۳ درصد زنان بدون فرزند بودند و ۲۰/۲ درصد آنها دارای ۲ فرزند بودند.

از نظر وضعیت اقتصادی ۳۵/۳ درصد از زنان مورد مطالعه و خانواده‌های آنها وضعیت متوسطی داشته‌اند، ۳۰/۲ درصد آنها از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار بوده‌اند. حدود ۲۵ درصد از آنها وضعیت اقتصادی ضعیفی برخوردار بودند و تنها ۱۰/۷ درصد از خانواده‌ها از وضعیت اقتصادی عالی برخوردار بوده‌اند.

از نظر نوع رابطه با همسران خود قبل از ازدواج، ۴۲ درصد از آنها گفتند که با همسران خود رابطه عاطفی و دوستی داشته‌اند، ۱۳/۶ درصد از زنان نیز اظهار داشتند که قبل از ازدواج با همسران خود رابطه جنسی داشته‌اند و ۴۷/۲ درصد نیز بیان کردند که قبل از ازدواج هیچگونه رابطه عاطفی و جنسی با همسران خود نداشته‌اند.

از نظر نوع رابطه با دیگران قبل از ازدواج، ۶۲/۵ درصد از زنان اظهار داشتند که با دیگران رابطه عاطفی و دوستی داشته‌اند و ۱۱/۷ درصد از زنان نیز رابطه جنسی با دیگران قبل از ازدواج

برقرار کرده بودند و تنها ۴/۲۵ درصد از زنانی که بعد از ازدواج وارد رابطه فرازناشویی شده بودند بیان کردند که هیچگونه رابطه عاطفی و جنسی با یگران نداشته اند. نتایج بیانگر این بود که ۱۷ درصد زنان در دوران نامزدی به شوهران خود خیانت کرده بودند و ۴۱ درصد از آنها در سه سال اول زندگی به روابط فرازناشویی روی آورده بودند و ۱۸/۶ درصد زنان در سال چهارم مرتکب خیانت شده بودند و ۲۳ درصد دیگر نیز بعد از پنج سالگی ازدواج روابط فرازناشویی را تجربه کرده بودند.

ب) یافته های تحلیلی:

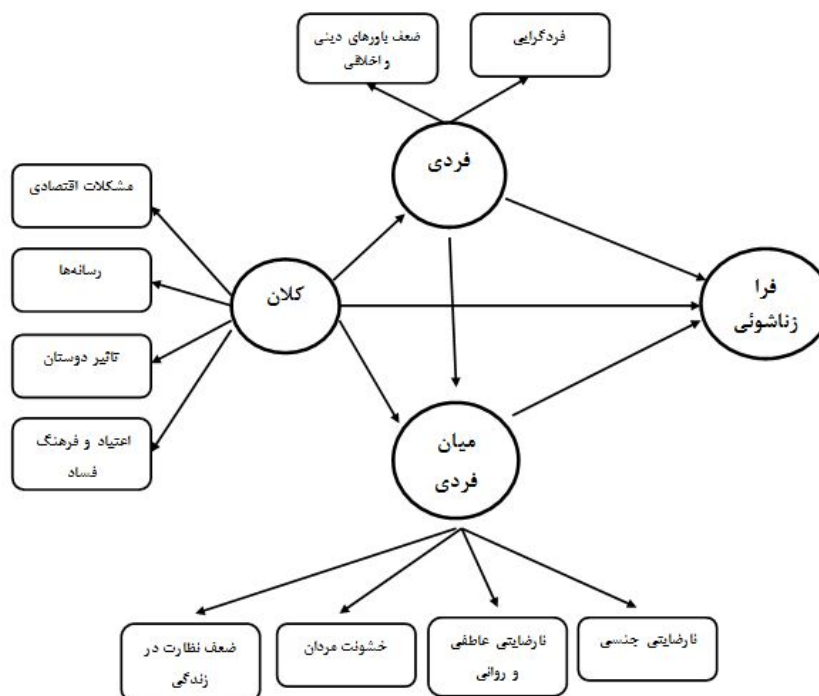
بعد از بررسی گفته های مصاحبه شوندگان در مورد چرایی ورود آنها به روابط فرازناشویی، در مجموع ده مضمون اصلی و چندین مضمون فرعی در سه سطح خرد، میانه و کلان بدست آمد که در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۲: مضامین اصلی و مضامین فرعی مربوط به دلایل ورود زنان به روابط فرازناشویی

مفاهیم	مقولات	سطح
تنوع طلبی جنسی / کنجکاوای جنسی / فردگرایی جنسی	فردگرایی	فردی
	عدم انجام مناسک دینی و ضعف اعتقادات مذهبی و باورهای اخلاقی	
عدم ارضاء جنسی از سوی شوهر / عدم جذابیت ظاهری شوهر / یکنواخت بودن رفتار جنسی شوهر / خشونت جنسی شوهرم / زود انزالی شوهر / سردمزاجی شوهر	عدم رفع نیازهای جنسی	میان فردی
	عدم محبت شوهر / بی توجهی شوهر / عدم علاقه به شوهر (ازدواج های تحمیلی، انتقام از خانواده) / احساس تنهایی / توجه شوهر به خانواده اش تا به من	عدم رفع نیازهای عاطفی و روانی
	دست بزن بودن شوهر / خشونت جسمی / توهین و فحش و بداخلاقی شوهرم / توهین و فحش و بداخلاقی خانواده شوهرم	خشونت فیزیکی و کلامی شوهر
	حضور اندک شوهر در منزل (دیر آمدن از سر کار، چند شیفته کار کردن، مسافرت به کشورهای خارجی مانند استرالیا و ژاپن) / حفظ رابطه قبلی با دوست پسرهای قبلی / انتقام از شوهر بخاطر خیانت تنوع طلبی شوهر	ضعف نظارت بر زندگی و زندگی صادقانه
دوستان (چشم و هم چشمی با دوستان در دوست پسر داشتن و رابطه فرازناشویی) / حفظ رابطه قبلی با دوست پسرهای قبلی	تاثیرپذیری از دوستان	اجتماعی
	ضعف مالی خانواده / تیغ زدن دیگران برای کسب پول جهت رفع نیازهای اقتصادی / بیکاری شوهرم	فقر و مشکلات اقتصادی
	اعتیاد شوهرم، اعتیاد دوستان، اقوام و هم محلی ها	اعتیاد در جامعه

وجود ماهواره در منزل و اقوام و دوستان، مشاهده سریال ها و فیلم های فارسی وان، جم تی وی و....	رسانه ها و شیوع فرهنگ فساد در جامعه
---	-------------------------------------

با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره ۲، مدل مفهومی پژوهش حاضر به صورت زیر ارائه می شود:



در پژوهش حاضر دلایل زنان جهت ورود به روابط فرازناشویی را در سه سطح فردی، میان فردی و کلان دسته بندی نمودیم. منظور از سطح فردی، آن دلایلی هستند که ناظر به ارزش های شخصی فرد هستند و فردگرایی و ضعف باورهای دینی و اخلاقی از جمله مصادیق آن در پژوهش حاضر به شمار می روند. منظور از سطح میان فردی، ناظر به کمیت و کیفیت زنان با همسران خود است و سطح کلان، به آن دسته از دلایل زنان اشاره می کند که فرد بیشتر تحت تاثیر جامعه بوده است.

فردگرایی

از جمله مواردی که برخی از زنان درباره دلایل ورود خود به روابط فرازنشویی بیان می‌کردند، تنوع طلبی جنسی، کنجکاوای جنسی و فردگرایی جنسی بود که در این مقوله فرد صرفاً به فکر منافع و لذات جنسی خود بود و منافع دیگران اهمیت چندانی برای آنها نداشت که به چند نقل قول در این زمینه اشاره می‌شود:

«الف» ۳۲ ساله و طول مدت ازدواج ۱۸ سال: "من آدمی هستم که می‌خواهم همیشه در یک جا ثابت نباشم، دوست دارم که همیشه چیزهای جدید را امتحان کنم و با آدم‌های مختلف باشم، تنوع طلبی حرف قشنگیه، دوست دارم".

«ف» ۲۶ ساله و طول مدت ازدواج ۷ سال: "در زندگی یاد گرفتم که اول باید به فکر خودت باشی و خودت از همه چیز لذت ببری ...، اینهم یک نیازه که به هر شکلی که شده باید رفع کنی و بالاخره دنیا دو روزه و باید لذت ببری و لذت ..."

۱- ضعف اعتقادات مذهبی، اخلاقی و رفتارهای دینی

یکی دیگر از دلایلی که برخی زنان به آن اشاره می‌کردند، ضعف مسائل اخلاقی و دینی بود. آنها ادعان می‌داشتند که از زمانی که نماز و روزه را کنار گذاشتند و هر چقدر مسائل اخلاقی و تعهد زنشویی برایشان کم اهمیت می‌شد، بیشتر به روابط فرازنشویی گرایش پیدا می‌کردند.

«الف» ۳۳ ساله و طول مدت ازدواج ۱۶ سال: "به نظرم بهشت و جهنم تو همین دنیاست، پس هر چه بهتر و بیشتر تا میتونی باید از زندگی لذت ببری"
«ن» ۲۳ ساله و طول مدت ازدواج ۹ سال: "من بچه گی‌ها نماز می‌خوندم اما الان حوصله نماز رو ندارم و روزه که هیچی...، اصلاً آدمی که هر روز با یکی هست باید نماز هم بخونه؟"

۲- عدم رفع نیازهای جنسی

یکی از مهمترین و بیشترین دلایلی که مصاحبه شوندگان در مورد چرایی روابط فرازنشویی خود به آن اشاره داشتند، عدم رفع نیازهای جنسی خود از سوی شوهر به اشکال مختلف مانند، زود انزالی، سرد مزاجی، عدم آگاهی از رابطه جنسی، یکنواختی رفتار جنسی و...بود:

«س» ۲۵ ساله و طول مدت ازدواج ۱۰ سال: "وقتی که شوهرت به ارضا شدن تو نه تنها فکر نکنه حتی نفهمه که زن ها هم باید ارضا شن و فقط خودش ارضا شه چه انتظاری داری؟"

«الف» ۲۴ ساله و طول مدت ازدواج ۴ سال: "شوهرم همین که خودش را خالی می کرد دیگه با من کار نداشت، اون فقط به فکر خودش بود، خوب من هم آدمم و نیاز دارم، تا کی باید این نفهمی شوهرم را تحمل می کردم."

۳- عدم رفع نیازهای عاطفی و روانی

بیشتر زنان مصاحبه شونده به مقوله نیازهای عاطفی و روانی اشاره می کردند و آن را یکی از دلایل مهم خود در خیانت به همسرانشان اعلام می کردند. آنها به مواردی مانند: عدم محبت و بی توجهی شوهر، احساس تنهایی خود، نبود گفتگو و رابطه احساسی و عاطفی با همسران خود، عدم علاقه به شوهر به خاطر ازدواج تحمیلی اشاره می کردند؛

«م» ۲۷ ساله و طول مدت ازدواج ۱۱ سال: "وقتی مردهای دیگر را با شوهرخودم مقایسه می کردم که دیگران تو مهمانی ها چقدر به فکر زنهاشون هستند و شوهر من اصلا بیخیال زن و بچه است، آتش می گرفتیم و آرزوی مردایی را داشتیم که یک کلمه جانم یا عزیزم را بهم تو جمع بگه، اما....."

«م» ۳۲ ساله و طول مدت ازدواج ۱۴ سال: "بابام بخاطر نداشتن شغل اجازه نداد با دوست پسرم ازدواج کنم... تا اینکه همسرم اومد خواستگاریم، ... بابام ناراضی بود.... منم از بابام بدتر، ولی بهترین فرصت دونستم که از پدرم انتقام بگیرم گفتم باهش ازدواج می کنم و بعد از این فرصت استفاده کردم و با دوست پسر قبلی دوباره رابطه گرفتم و این روابط هی بیشتر و بیشتر شد."

۴- خشونت فیزیکی و کلامی شوهر

برخی از زنان جهت مقابله با رفتارهای خشن فیزیکی و کلامی شوهرانشان دست به خیانت زده اند تا از این طریق از شوهرانشان انتقام بگیرند. آنها در این زمینه به مواردی مانند، دست بزن بودن شوهر، خشونت جسمی، توهین و فحش و بداخلاقی همسران و خانواده همسران خود اشاره می کردند؛

«ک» ۴۴ ساله و طول مدت ازدواج ۳۰ سال: "همیشه اختلاف داشتیم و در این اختلافات همیشه فحش و کتک میخوردم، علاوه بر شوهرم گاهی اوقات برادر شوهرم هم منو کتک میزد اما شوهرم هیچی نمی‌گفت، دیگه جونم به لبم رسیده بود، و هر روز ازش متنفر میشدم و...."

«س» ۲۹ ساله و طول مدت ازدواج ۱۴ سال: "بیشتر وقتها با شوهرم قهر بودم و توهین می‌کرد و میزد و منم زورم بهش نمیرسید و فحش هاش و کتک هاش باعث می‌شد که هر روز ازش متنفر شم و تا اینکه با یک مغازه دار آشنا شدم و از شوهرم انتقام گرفتم و می‌گیرم."

۵- ضعف نظارت بر زندگی و زندگی صادقانه

حضور اندک شوهران در منزل به دلایلی مانند، دیر آمدن از سر کار، چند شیفته کار کردن، مسافرت به کشورهای خارجی و رابطه با دیگران داشتن، موجب می‌شود که برخی از زنان از این فرصت استفاده کنند و درگیر روابط فرازنشویی شوند، برخی از زنان نیز علت خیانت خود را خیانت شوهران خود اعلام می‌کردند؛

«م» ۳۴ ساله و طول مدت ازدواج ۱۸ سال: "خب تا ۶ سال اول زندگی من به مهر داد خیانت نکردم، وقتی از ایران رفت ژاپن و هر سال می‌گفت سال دیگه میام تا ۳ سال بعد رفتنش هم باز بهش خیانت نکردم ولی چون می‌دونستم اون اونجا... به همین دلیل من هم رفتم سراغ پسرها و مردهای دیگه"

«م» ۲۲ ساله و طول مدت ازدواج ۴ سال: "مدتی بود به همسرم شک کرده بودم چون رابطه اش با من در خونه کم شده بود او را تعقیب کردم با خانمی دوست بود چندبار اعتراض کردم اما فایده نداشت. یک روز در منزل آنها را باهم به دام انداختم از آن روز به بعد من هم بفکر پیدا کردن دوستی برای رفع نیازهای خود شدم و با علی آشنا شدم و...."

۶- تاثیرپذیری از دوستان

الگو قرار دادن دوستان و گاهی مواقع رقابت و چشم و هم چشمی با دوستان خود در دوست پسر داشتن و رابطه فرازنشویی، و همچنین حفظ رابطه قبلی با دوست پسرهای قبلی از مواردی بود که برخی مصاحبه شوندگان در دلایل خود برای روابط فرازنشویی به آنها اشاره می‌کردند؛

«س» ۳۲ ساله و طول مدت ازدواج ۱۴ سال: "یه چیزیم که بود اکیپ دوستامون کل رو کم کنی بود که من دیگه خداییش روی همه زنارو کم کردم (باخنده)"

«ع» ۲۸ ساله و طول مدت ازدواج ۵ سال: "روزی در آرایشگاه با دوستان نشسته بودیم که هر یک از دوست پسرهای خود می‌گفتند من نیز وسوسه شدم از فردای آن روز به فکر پیدا کردن یک دوست افتادم"

۷- فقر و مشکلات اقتصادی

برخی از زنان مصاحبه شونده اذعان می‌کردند که صرفاً بخاطر مشکلات اقتصادی - محدودیت های مالی و بیکاری شوهرانشان که خود و خانواده وی - با آن درگیر بودند، تن به روابط فرازنشویی می‌دادند و از اینکه درگیر خیانت بودند احساس خوبی نداشتند-، البته برخی دیگر انتظارات بالایی از زندگی و همسران خود داشتند و به دلیل عدم رفع نیازهای اقتصادی از سوی همسران خود به روابط فرازنشویی روی آورده بودند؛

«م» ۳۳ ساله و طول مدت ازدواج ۱۴ سال: "من بخاطر فقر و وضعیت بد اقتصاد، واسه بی پولی واسه نکبت بی پولی که بچه ام جلوی چشم می دیدم که داره تلف می شه..."

«ع» ۳۰ ساله و طول مدت ازدواج ۱۰ سال: "شوهرم هم بیکاره، هم معتاده، با پارانه هم که همیشه زندگی کرد پس برای من تنها چاره ای که مونده بود همین کار بود، گدایی هم بلد نیستم بکنم"

۸- اعتیاد

اعتیاد شوهر و به همراه آن بیکاری، همچنین تعامل با دوستان معتاد شوهر یکی دیگر از دلایلی بود که برخی از مصاحبه شوندگان به آن اشاره می‌کردند؛

«س» ۳۲ ساله و طول مدت ازدواج ۱۴ سال: "۸ ماهه که طلاق گرفتم و با این یکی (مسعود) ازدواج کردم... که دوستش دارم، حتی به خاطر مسعود که برای خرج اعتیادش با دیگران بودم..."

«م» ۳۸ ساله و طول مدت ازدواج ۱۸ سال: "بعد از دو سال از ازدواج فهمیدم که شوهرم علاوه بر بیکاری مواد نیز مصرف میکنه و کمتر به من توجه می‌کرد و گاهی به اجبار با من رابطه جنسی داشت من که جوان بودم و زندگی دیگران

را می‌دیدم میخواستم از دیگران عقب نمانم و شروع به پیدا کردن دوست پسر کردم"

۹- رسانه‌های ارتباطی و گسترش فساد در جامعه

الگو قرار دادن فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای و پورنوگرافی و نیز مشاهده برخی رفتارهای فساد انگیز در جامعه، موجب شده بود که برخی از زنان به سوی روابط فرازنشویی سوق پیدا کنند؛

«ن» ۲۷ ساله و طول مدت ازدواج ۶ سال: "از همان بچگی چشمون را باز کردیم فقط فیلم‌های ماهواره و ترکیه‌ای دیدیم و من ابتدا با اقوام خود مثل پسر دایی و پسر خاله رابطه دوستی و بعد ..."

«الف» ۲۳ ساله و طول مدت ازدواج ۷ سال: "بابا الان همه تو این خطند، اگه میخوای چند روزی از دنیا لذت ببری باید مثل بقیه شد و لذت برد، مگه ماهواره و فیلم و سریال نمیبینی که هرکی به هرکی هست"

نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی پدیدارشناختی دلایل ورود زنان به روابط فرازنشویی بود. پژوهش حاضر نشان داد که در سطح فردی، ضعف دینداری و باورهای اخلاقی از ویژگی‌های زنان مصاحبه شونده بود که اغلب آنان به ضعف دینداری (رفتارها و دانش دینی) خود اذعان می‌کردند و در اغلب موارد بین اعتقادات دینی آنها با رفتارهایشان شکاف وجود داشت. تحقیقات جدیدتر (ماتینگلی و همکاران ۲۰۱۰؛ بوردت و همکاران ۲۰۰۷) نشان می‌دهند، افرادی که به هیچ مذهبی اعتقاد ندارند نسبت به کسانی که به مذهبی اعتقاد دارند بیشتر وارد روابط فرازنشویی می‌شوند. میراندا و دراف در تگزاس (۲۰۰۶) دریافتند که حضور بیشتر در کلیسا و دینداری می‌تواند از عوامل پیشگیری از گرایش به روابط فرازنشویی باشد. تنوع طلبی، فردگرایی جنسی و کنجکاوای جنسی از متغیرهای دیگر در سطح خرد بود که اغلب زنان آنها را از عوامل گرایش به روابط فرازنشویی بیان کردند. این یافته با یافته‌های شیردل (۱۳۸۳)، جانسون (۱۹۷۲) و نظرات قرائی مقدم (۱۳۹۴) انتظاری (۱۳۹۲) و فاضلی

(۱۳۹۳) مطابقت دارد. آنها معتقدند که فردگرایی، حاکم شدن ذهنیت مادی گرا و جسم گرا در زندگی، خودخواه و مصلحت گرا شدن افراد و لذت طلبی جسمانی از مهم ترین عوامل روابط فرا زناشویی به شمار می رود.

بیشترین و مهمترین دلایلی که زنان در علت ورود خود به روابط فرا زناشویی بیان کردند مربوط به سطح میان فردی (رابطه ای) بود، به طوری که اکثر زنان (۶۲/۵ درصد) قبل از ازدواج با جنس مخالف رابطه دوستانه، عاطفی و حتی تعدادی از آنها رابطه جنسی داشته اند و این روابط در تعدادی از زنان به بعد از ازدواج نیز تسری پیدا کرده بود. به گفته وایت و همکاران (۲۰۰۰) افرادی که اولین رابطه جنسیشان قبل از ازدواج رضایتبخش بوده، گرایش بیشتری به داشتن روابط خارج از ازدواج در مراحل بعدی زندگی پیدا می کنند. فرض بر این است که شخص دارای روابط جنسی و عاطفی متعدد قبل از ازدواج، ممکن است احساس کند داشتن شرکای متعدد جنسی در مقایسه با یک شریک، رضایت بیشتری ایجاد میکند.

در سطح میان فردی، یافته های پژوهش حاضر نشان میدهد نارضایتی جنسی در روابط زناشویی، مقوله اصلی و محوری زنان در گرایش به بیوفایی زناشویی محسوب میشود. بسیاری از تحقیقات بر رابطه ضعیف زناشویی در تبیین روابط فرا زناشویی و ارتباط معنادار میان نارضایتی زناشویی با روابط فرا زناشویی تاکید کرده اند.

عدم رفع نیازهای عاطفی و روانی زنان از سوی همسران خود و تامین همان نیازها از سوی دیگران، ازدواج های تحمیلی و عدم علاقه به همسران خود از دیگر دلایل زنان به روابط فرا زناشویی بود. این یافته با نتایج پژوهش های (مگان، ۲۰۱۲؛ آتکینزو همکاران، ۲۰۰۱؛ لیو، ۲۰۰۰؛ قرائی مقدم ۱۳۹۳ و افشار نادری ۱۳۹۴) سازگار است، که معتقدند طلاق های عاطفی و خلاء های اجتماعی از مهمترین عواملی است که موجب گرایش افراد به روابط فرا زناشویی است.

از نتایج دیگر پژوهش حاضر تجربه خشونت فیزیکی و کلامی زنان از جانب همسران و خانواده های همسر خود بود. ریس لارا، (۲۰۱۱)؛ اسپنیر و مارگولیس، (۱۹۸۳)؛ علیایی زند، (۱۳۸۳)؛ قرائی مقدم، (۱۳۹۳)؛ فتحی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش های خود نشان می دهند که زنانی که با انواع خشونت ها در خانواده مواجه بوده اند در گرایش به روابط فرا زناشویی مصر بودند. نظارت ضعیف، حضور اندک مردان در منزل و خیانت شوهران از دلایل دیگر زنان در سطح میان فردی برای ورود زنان به روابط فرا زناشویی بود.

در سطح کلان و اجتماعی نیز عواملی چند در ورود زنان به روابط فرا زناشویی نقش داشتند که یکی از تاثیر پذیری افراد از دوستان خود بود که تجربه روابط فرا زناشویی داشتند. این

یافته با نظرات بونک و بیکر (۲۰۰۰) همسو است که معتقدند، زمانی که دوستان یا خانواده افراد، درگیر بیوفایی زناشویی باشند، آنها نیز تمایل بیشتری به این کار دارند. اگر فردی زمان زیادی را صرف گوش کردن به تجربیات دیگران در خصوص روابط خارج از ازدواج زناشویی کند، ممکن است از نگرش منفی آنها به این روابط کاسته شود و این احساس در آنها ایجاد شود که این رفتار، نوعی رفتار بهنجار اجتماعی است؛ در نتیجه به سمت برقراری روابط خارج از ازدواج سوق پیدا کند. براساس نتیجه این پژوهش، رقابت و چشم هم چشمی با دوستان خود در یافتن شرکای جنسی و عاطفی بیشتر در افزایش اینگونه روابط نقش مهمی داشته است.

یکی دیگر از متغیرهای در سطح کلان در این زمینه رسانه های ارتباطی از جمله شبکه های ماهواره ای و فضاهای مجازی بود. افرادی که از برنامه های ماهواره ای خارجی استفاده کردند، با برقراری روابط نامشروع موافق تر بوده اند. قرائی مقدم (۱۳۹۳) معتقد است که هجوم سریال ها و فیلم های شبکه های ماهواره ای موجب تغییر سبک زندگی به شیوه غربی می گردد و ترویج الگوهای رفتاری غربی تحت تاثیر ماهواره و اینترنت از عوامل موثر ورود افراد به روابط فرازناشویی می باشد.

مشکلات اقتصادی از دیگر دلایل ساختاری بود که زنان مصاحبه شونده به آن اشاره می کردند. در حدود ۶۰/۵ درصد از زنان بی وفا اظهار کردند که دارای وضعیت اقتصادی متوسط و ضعیف بوده اند. در واقع محدودیت های مالی زنان آنها را به روابط فرازناشویی سوق می دهد. یکی دیگر از نتایج این پژوهش این بود که اعتیاد همسران موجب می شد برخی از زنان برای رفع مشکلات اعتیاد همسران خود، به اینگونه روابط تن دهند.

یکی دیگر از یافته های پژوهش حاضر، تاثیر عامل سن بر روابط فرازناشویی بود بطوری که بیشترین سن زنان نمونه ۳۰ تا ۳۵ ساله بود و مدت از دواج این افراد بیانگر از دواج آنها در سنین پایین است که همین امر می تواند یکی دیگر از دلایل گرایش آنها به این نوع رابطه باشد. ازدواج تحمیلی، فاصله سنی با همسر، عدم شناخت نقش همسری، شور و هیجان اولیه و اغلب در سنین پایین اتفاق می افتد. در کل می توان گفت با توجه به نتایج پژوهش سن ازدواج یکی از مهمترین متغیرهای تسهیل گر در این رابطه است که تاثیر آن در رابطه با متغیرهای دیگر معنادار می باشد.

پژوهش حاضر، نشان می دهد که روابط فرازناشویی زنان پدیده ای بسیار پیچیده و چندعلتی در سطوح مختلف است. برای مثال نرگس ۴۳ ساله در مصاحبه خود مواردی مانند ازدواج اجباری، انتقام از خانواده پدری، انتقام از شوهر بخاطر خیانت و رفع نیازهای عاطفی و روانی از سوی

دیگران را از دلایل ورود خود به روابط فرزندناشویی ذکر میکند. نمونه دیگر مهین ۲۸ ساله به مواردی مانند کنجکاوای جنسی، خشونت شوهر، عدم رفع نیازهای روانی و عاطفی، احساس تنهایی، تأثیرپذیری از دوستان در دانشگاه و ماهواره اشاره می‌کند. لذا مجموعه ای از عوامل در سطوح خرد، میانه و کلان در ورود زنان به روابط فرزندناشویی نقش داشتند که می‌توان گفت نقش عوامل سطح میانی - که مربوط به کمیت و کیفیت روابط زوجین بود- بسیار مهمتر از عوامل سطوح خرد و کلان در وقوع این پدیده اجتماعی است. اغلب مصاحبه شونده‌گان نقصان کمیت و کیفیت ارتباط شوهران با خود و عدم رفع نیازهای روانی، عاطفی، جنسی، اجتماعی و اقتصادی خویش از سوی آنها و نیز رفتار خشونت آمیز شوهران خود را بیشتر و مهمتر از سایر عوامل ارزیابی می‌نمودند. هرچند که برخی نیز به عوامل فردی و کلان در ورود خود به روابط فرزندناشویی اشاره می‌کردند.

در مجموع « برآورده نشدن انتظارات و نیازهای » مختلف زنان مهمترین مقوله ای است که می‌توان از پژوهش حاضر استخراج کرد و زنان به کرات در طول این پژوهش با کلمات و مفاهیم مختلف به آن اشاره می‌کردند. اغلب زنان انتظار داشتند که به عنوان زن، انتظارات و نیازهای مختلف جنسی، عاطفی، روانی و اقتصادی آنها به شکل مطلوب و متعارف برآورده شود، اما وقتی همسران آنها به علل مختلفی قادر به رفع آنها نمی‌شوند، زنان برای برآورده کردن آنها، به خارج از خانواده و از طریق افراد دیگر گرایش پیدا می‌کنند. در مجموع پژوهش حاضر نشان می‌دهد که « برآورده نشدن انتظارات » به همراه « ضعف مذهبی و اخلاقی و رشد ارزش های فردگرایانه » از عوامل اصلی در ورود زنان به روابط فرزندناشویی می‌باشد.

پیشنهادها

سطح فردی:

- جامعه پذیری دینی افراد از بدو تولد در خانواده ها و تقویت باورهای دینی و معنوی توسط والدین
 - تقویت باورهای جمع گرایانه و احساس همدلی، تعلق و تعهد کودکان و نوجوانان نسبت به خانواده از سوی والدین
 - آموزش و تقویت باورهای اخلاقی و انسانی به کودکان و نوجوانان از سوی والدین
- میان فردی:

- برپایی کارگاههای آموزشی جهت آشنایی زوجین با نیازهای عاطفی و روانی همدیگر
- آشنایی با مسائل و نیازهای جنسی

- حضور بیشتر زوجین در کنار همدیگر
- رفع مسائل و مشکلات اقتصادی زنان از سوی شوهران یا نهادهای حمایتی سطح کلان
- آگاه سازی خانواده ها نسبت به پیامدهای ازدواج های اجباری
- افزایش آگاهی زوجها درباره پیامدهای روابط فرازنشویی بر فرد، خانواده و جامعه
- حل مشکلات اقتصادی از جمله بیکاری از سوی دولت

منابع:

- افشار نادری، افسر (۱۳۹۴)، "روابط فرازنشویی، علل و پیامدها و نقش شبکه‌های مجازی در بحران خانواده"، خانه مهر، پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان، ۲۹ مرداد ایوبی، (۱۳۹۴) "روابط فرازنشویی، علل و پیامدها"، پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان، ۲۱ مرداد ۱۳۹۴ <http://mehrkhane.com/fa/news/20300>
- انتظاری (۱۳۹۲) "روابط فرازنشویی، نابودگر کانون خانواده"، خبرگزاری مهر، ۳ مرداد ۱۳۹۲
- بهنام، لیلا (۱۳۹۱) "روابط فرازنشویی؛ تهدیدی ویرانگر برای کانون خانواده"، خبرگزاری مهر، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۱، <http://www.mehrnews.com/news/1602309>
- دیوبند، فائزه؛ مسعودنیا، ابراهیم؛ جسمانی، سمیه (۱۳۹۲) "تاثیر برنامه های ماهواره ای بر نگرش جوانان به روابط نامشروع" **دوفصلنامه مطالعات پلیس زن**، سال هفتم، شماره ۱۹، ۵۴-۴۲
- شیردل، ملیحه (۱۳۸۵)، "عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی"، **فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی**، شماره ۲۰، سال ششم، ۱۳۳-۱۴۸
- شفیع آبادی، اکبر، اکبری زهرا، هنرپروران نازنین، (۱۳۹۰)، "مقایسه ی سبک های دلبستگی در مردان متأهل با روابط فرازنشویی و فاقد فرازنشویی". **مجله اندیشه و رفتار**، دوره ی پنجم، شماره ۲۰، ۲۵-۳۰
- شیخ الاسلامی، علی (۱۳۹۴) "روابط فرازنشویی، علل و پیامدها و نقش شبکه های مجازی در بحران خانواده"، خانه مهر، پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان، ۲۹ مرداد

صالح آبادی، لیلا (۱۳۹۳) «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر روابط فرازنشویی زوجین

مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه

الزهراء - دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

عبدالملکی، مریم (۱۳۹۲) «رسانه، بازانندیشی و گرایش به روابط فرازنشویی (در بین

زوجین ۱۸ تا ۴۲ ساله شهر قروه)» پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء -

دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

علیایی زند شهین، (۱۳۹۰)، عوامل زمینه ساز تن دادن زنان به روسپیگری، مجموعه

مقالات آسیب های اجتماعی ایران، چاپ پنجم، انتشارات انجمن جامعه شناسان.

عنایت، حلیمه و پنجه بند، سید یوسف (۱۳۹۵) "فرایند شکل گیری رابطه فرازنشویی از نگاه

مردان"، مجله علمی - پژوهشی ارمغان دانش، شماره ۸ دوره ۲۱، ص ۸۳۰ تا ۸۴۵

کاوه، سعید (۱۳۸۹)، رویارویی با بی وفایی و یا پیمان شکنی همسر، ناشر: موسسه

اندیشه کهن پرداز، کارشناس ارشد روان شناسی و مشاور خانواده.

فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۳)، گونه های در حال ظهور خانواده در تهران، تهران

فتحی، منصور؛ فکرآزاد، حسین؛ غفاری؛ غلامرضا و بوالهروی جعفر (۱۳۹۲) عوامل زمینه ساز

بی وفایی زناشویی زنان، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره

۵۱، ص ۱۰۹-۱۳۱

فرخجسته، سید هاشم (۱۳۹۳) مقایسه میزان نگرش به روابط فرازنشویی و تعارضات

زناشویی در کاربران و غیرکاربران شبکه های اجتماعی، پایان نامه کارشناسی

ارشد، دانشگاه هرمزگان

قرائی مقدم، امان الله (۱۳۹۳) شوکران خیانت و روابط فرازنشویی، خبرگزاری ایرنا، ۱۵

تیرماه ۹۳

محمدی، بهناز؛ زهراکار، کیانوش؛ داورنیا، رضا؛ شاکرمی، محمد (۱۳۹۲) بررسی نقش

دینداری و ابعاد آن در پیش بینی تعهد زناشویی کارکنان سازمان بهزیستی

خراسان شمالی

معیدفر، سعید (۱۳۹۳) منشا "خیانت"، خبرگزاری فرارو کد خبر: ۲۴۳۵۷۶، ۲۶ مرداد

۱۳۹۴ /http://fararu.com/fa/news/243576

- Allen, E. S., Atkins, D. C., Baucom, D. H., Snyder, D. K., Gordon, K. C., & Glass, S. P. (2005). "Intrapersonal, interpersonal, and contextual factors in engaging in and responding to extramarital involvement". **Clinical Psychology: Science and Practice**, 12, 101-130.
- Allen, E. S., & Baucom, D. H. (200۴). "Adult attachment and pattern of extra dyadic involvement". **Family Process**, 43, 467-488.
- Amato, P. R. (2010). "Research on Divorce: Continuing Trends and New Developments". **Journal of Marriage and Family** 72, 650 – 666
- Amato, P. R., & Rogers, S. J. (1997). "A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce". **Journal of Marriage and The Family**, 59, 612-624
- Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S. (2001) "Understanding infidelity: Correlates in a national random sample". **Journal of Family Psychology**, 15, ۷۴۹-۷۳۵,
- Atkins, D. C. and et al. (2005), "Infidelity in Couples seeking marital therapy", **Journal of Family Psychology**, 19:470-473.
- Beach, S. R. H., Jouriles, E. N., & O'Leary, K. D. (1985). "Extramarital sex: Impact on depression and commitment in couples seeking marital therapy". **Journal of Sex and Marital Therapy**, 11, 99-108.
- Blow, A. J., & Hartnett, K. (2005). "Infidelity in committed relationships ii: A substantive review". **Journal of marital and family therapy**, 31(2), 217-233.
- Borst, J. B. (2015). "A Systematic Review of the Effects of Family Conflict: Focusing on Divorce, Infidelity, and Attachment Style". <http://dx.doi.org/10.1111/j.1752-0606.2005.tb01556.x>
- Burdette, A. M., Ellison, C. G., Sherkat, D. E., & Gore, K. A. (2007). "Are there religious variations in marital infidelity?" **Journal of Family Issues**, 28, 1553-1581.
- Buss, D. M., & Shackelford, T. K. (1997). "Susceptibility to infidelity in the first year of marriage". **Journal of Research and Personality**, 31, 193-221.

- Cano, A., Christian-Herman, C., O'Leary, K.D., & Avery-Leaf, S. (2002). "Antecedents and consequences of negative marital stressors". **Journal of Marital and Family Therapy**, 28, 145-151.
- Charny, I. W. & Parnass, S. (1995). "The impact of extramarital relationships on the continuation of marriages". **Journal of Sex and Marital Therapy**, 21, 100-115.
- Daly, M. & Wilson, M. (1998). *Homicide*. New York: Aldine
- Christian-Herman, J. L., O'Leary, K. D., & Avery-Leaf, S. (2001). "The impact of severe negative events in marriage on depression". **Journal of Social and Clinical Psychology**, 20, 24-40.
- Dahl, C.M. & BOSS, P. (2005), "The Use of Phenomenology for Family Therapy Research". In S. Moon & D. Sprenkle (Eds), **Research Methods in Family Therapy**. New York: Guilford Press.
- Jayson, S. (2008), **Infidelity is common knowledge in USA**, poll suggests, USA Today, 4D.
- Jeanfreau, Michelle, Marchese. (2009), **A qualitative study investigating the decision-making process of women's participation in marital infidelity**, An abstract of a dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of philosophy, University Manhattan, Kansas.
- Glass, S. P., & Wright, T. L. (1985). "Sex differences in type of extramarital involvement and marital dissatisfaction." **Sex Roles**, 12, 1101-1120.
- Goodman MA, Dolahite DC (2006). "How religious couples perceive the influence of God in their marriage". **Rev Relig Res**; 48(2): 141-155.
- Kvale, S and Svend Brinkmann. (2009), *Interviews: Learning the Craft of Qualitative Research Interviewing*, Second Editions, Sage Publications.
- Liu, C. (2000). "A theory of marital sexual life". **Journal of Marriage and the Family**, 62, 363-374.
- Extradynadic Relations
- Mahoney A. (2005) "Religion and conflict in marital and parent-child relationships". **J Soc Issues**; 61(4): 689-706.

- Mahoney A, Pargament KI, Tarakeshwar N, Swank AB(2001)."
Religion in the home in the 1980s and 90s: A meta-analytic review and conceptual analyses of links between religion, marriage and parenting". **J Fam Psychol.**; 15(4): 559-596.
- Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). "*Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex*". **Archives of Sexual Behavior**, 40.۹۸۲-۹۷۱,
- Mattingly, B. A., Wilson, K., Clark, E. M., Bequette, A. W., & Weidler, D. J. (2010). "*Foggy faithfulness: Relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample*". **Journal of Family Issues**, 31, 1465-1480.
- Megan M. Dowd (2012) "**The Secrets of Infidelity A dissertation presented to the faculty of the Scripps**", College of Communication of Ohio University In partial fulfillment of the requirements for the degree Doctor of Philosophy
- Mongeau, P.A., Hale, J.A., & Alles, M. (1994). "An experimental investigation of accounts and attributions following sexual infidelity". **Communication Monographs**, 61, 326-344
- Patton, M. (2002), "**Qualitative research & evaluation methods**". London: Sage Publication.
- Olson, M.M., Russell, C.S., Higgins-Kessler, M. & Miller, R.B. (2002). "Emotional processes following disclosure of an extramarital affair". **Journal of Marital and Family Therapy**, 28, 423-434.
- Rao. Sally & Perry. Chad (2003), "Convergent interviewing to build a theory in under-researched areas: principles and an example investigation of Internet usage in inter-firm relationships, Qualitative Marke Research": **An International Journal**, Volume6 Number4 2003 pp. 236-247.
- Risé Lara, Ladori(2011), "**coping and relation infidelity across the lifespan: the role of commitment during relational**", A Dissertation in Communication Arts and Sciences", Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy

- Roscoe, B., Cavanaugh, L. E., & Kennedy, D. R. (1988). "Dating infidelity: Behaviors, reasons and consequences". **Adolescence**, 23, 34-43.
- Sabini, J. & Green, M. C. (2004). "Emotional responses to sexual and emotional infidelity: Constants and differences across genders, samples, and methods". **Personality and Social Psychology Bulletin**, 30, 1375-1388.
- Seal, S. W., Agostinelli, G., & Hannel, C. A. (1994). "Extradyadic romantic involvement: Moderating effects of sociosexuality and gender". **Sex Roles**, 31, 1-22.
- Silverman, D. (2005), **Doing Qualitative Research**, London: Sage Publication.
- Schramm DG, Marshall JP, Harris VW, Lee TR(2012) ." *Religiosity, homogamy, and marital adjustment: An examination of newlyweds in first marriages and remarriages*". **J Fam Issues**; 33(2): 246–268.
- Shackelford, T. K., Besser, A., & Goetz, A. T. (2008)." Personality, marital satisfaction, and probability of marital infidelity". **Individual Differences Research**, 6(1), 13-25. <http://dx.doi.org/10.1080/10510970701518405>
- Tafoya, M., A. & Spitzberg, B. H. (2007). **The dark side of infidelity**: Its nature, prevalence, and communicative functions. In B. H. Spitzberg & W. R.
- Treas, J., & Giesen, D. (2000)." *Sexual infidelity among married and cohabitating Americans*". **Journal of Marriage and the Family**, 62, 48–60.
- Tuttle, J. D., & Davis, S. N. (2015). "Religion, Infidelity, and Divorce: Reexamining the Effect of Religious Behavior on Divorce Among Long-Married Couples". **Journal of Divorce & Remarriage**, 56(6), 475-489. <http://dx.doi.org/10.1080/10502556.2015.1058660>.
- Whisman, M. A., Gordon, K. C., Chatav, Y. (2007)."Predicting sexual infidelity in a populationbased sample of married individuals". **Journal of Family Psychology**, 21, 320 - 324.
- Wiggins, J.D. & Lederer, D.A. (1984)." Differential antecedents of infidelity in marriage". **American Mental Health Counselors Association Journal**, 6, 152-161.